

مسئولیت مدنی سبب مجمل در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه

محمود جعفری چالشتی^۱

یوسف براری چناری^۲

مجتبی جهانیان^۳

چکیده:

پس از احراز فعل زیان بار و خسارت، رابطه سببیت که حلقه اتصال این دو رکن است، نیز باید اثبات شود. یکی از صور محتمل در مسئولیت مدنی آن است که اشخاصی هم‌زمان اعمالی مشابه انجام دهند و در نتیجه عمل یکی از آن‌ها ضرری به دیگری وارد آید در حالی که عامل زیان به طور معین قابل تشخیص نیست. در این صورت با توجه به لزوم جبران خسارت زیان دیده و عدم امکان تعیین فاعل زیان و احراز رابطه سببیت، بررسی نحوه جبران زیان و راهکار عادلانه و قانونی ضروری است. در این مقاله نظریات فقهی و حقوقی موجود مورد بررسی قرار گرفته است از جمله عدم مسئولیت اعضا به دلیل اجرای اصل عملی براءت و عدم احراز رابطه سببیت، مسئولیت متساوی، مسئولیت تضامنی، پرداخت خسارت از طریق بیت‌المال، تعیین عامل زیان از طریق اعمال قاعده قرعه و نظریه ولایت قاضی. با توجه به نظریات مختلفی که جهت پرداخت خسارت ناشی از سبب مجمل مطرح گردیده لذا اعمال قاعده قرعه در این فرض موضوعیت ندارد. اگرچه نظریه جبران خسارت از بیت‌المال دارای معایبی می‌باشد اما با توجه به موافقت قطعی با علم اجمالی یعنی لزوم جبران خسارت زیان دیده و عدم امکان احراز رابطه سببیت، در فرض خسارات حاصل از اشخاص عادی مقرون به صحت است و ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی در قتل این نظر را پذیرفته است. در مورد خسارات حاصل از محصولات یا فعالیت شرکت‌ها با توجه به قسمت پایانی ماده ۴۷۷ قانون مزبور، حکم به مسئولیت متساوی قابل دفاع است.

کلیدواژه: سبب مجمل، مسئولیت، خسارت، بیت‌المال، رابطه سببیت.

Email: mjafarilaw@gmail.com

Email: barariy@yahoo.com

Email: jahanian.mojtaba@yahoo.com

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

۳. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی تهران

مقدمه:

در بحث مسئولیت مدنی و لزوم پرداخت خسارت یکی از وظایف زیان‌دیده اثبات رابطه سببیت بین خسارت و فعل زیان‌بار است. اثبات رابطه سببیت از جمله دشوارترین مباحث حقوقی در بحث مسئولیت مدنی و جزایی است که در مواردی می‌تواند منجر به عدم قابلیت جبران خسارت شود. این امر در فرضی که خسارت ناشی از فعل یکی از اشخاص در میان جمعی معین و محصور باشد دشوارتر است و لزوم توجه به مبانی مسئولیت مدنی و احراز رابطه سببیت و نحوه جبران زیان را بیش‌ازپیش ضروری می‌کند. در این فرض از سویی این علم وجدانی وجود دارد که ضرر وارد شده و خسارت می‌بایست جبران شود و این خسارت ناشی از فعل یکی از افراد موجود در جمعی معین است و از سوی دیگر هیچ دلیلی جهت انتساب ضرر به یکی از این اشخاص در اختیار نیست و قضیه از جهت موضوعی مجمل و دارای ابهام است. این فرض از دشوارترین فرض‌های مسئولیت است که تاکنون به تفصیل به آن نپرداخته‌اند و گذشته از برخی تحقیقات حقوقی در سال‌های اخیر، فقها نیز صرفاً در باب مسائل خاص به ذکر مثال‌هایی از آن اکتفا کرده‌اند. با این وجود اصولیین در بحث شبهات محصوره و دوران امر بین محذورین اصول بحث را ارائه کرده و در این تحقیق نیز از این مباحث یاری خواهیم جست.

در این نوشتار در جهت یافتن پاسخ به سؤالات ذیل هستیم:

۱- آیا این خسارت می‌بایست جبران شود؟

۲- در فرض لزوم جبران آیا همه اشخاص جمع معین مسئول هستند یا برخی از آنها؟ (شیوه جبران خسارت کدام است؟)

پاسخ به سؤال نخست منوط به احراز رابطه سببیت و تشریح مبانی جبران خسارت و مجرای اصل براءت است. در پاسخ به سؤال دوم می‌بایست مقدمتاً صرف‌نظر از هرگونه راهکار قانونی موجود به بایدها و نبایدها پردازیم و تشخیص دهیم که کدام روش عادلانه است و می‌بایست در توجیه قانونی آن اقدام کنیم. در مجموع روش‌های مختلفی در پاسخ به سؤال دوم ارائه شده است از جمله: مسئولیت متساوی، مسئولیت تضامنی، پرداخت خسارت از طریق بیت‌المال و تعیین عامل زیان از طریق اعمال قاعده قرعه. با توجه به اصلاح قانون مجازات اسلامی و تغییر برخی از مواد مرتبط با این بحث، مقایسه آن با قانون قبلی و تشریح جزئیات آن نیز ضروری است.

فصل اول - کلیات

بررسی سبب مجمل، مستلزم ارائه تعریفی صحیح از آن است. از سوی دیگر با توجه به امکان اجتماع اسباب و رابطه آنها با ضرر و خسارت، انواع آن نیز می‌بایست تفکیک و فرض مورد بررسی تعیین شود. لذا در این فصل ابتدا به تعریف موارد ضروری می‌پردازیم و سپس انواع اجمال را در فرض اجتماع اسباب مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول - تعاریف

سبب را در لغت به رسن، علت و وسیله نیل به چیز دیگر و یا چیزی که ما را به هدف یا چیز دیگر وصل می‌کند تعبیر کرده‌اند.^۱ در قرآن کریم در مواردی این عبارت در معنای «ریسمان» به کار رفته است: «... ریسمانی به آسمان کشد آنگاه آن را قطع کند و ببیند آیا نیرنگش آن چیزی را که باعث خشم او شده از بین می‌برد»^۲ و در مواردی دیگر علل پنهان از چشم و معنوی را به «اسباب السماوات» تعبیر کرده است. با استقرا در متون فقهی می‌توان این نکته را استخراج کرد که معنای فقهی شرط از معنای منطقی آن دور و به معنای لغوی آن نزدیک شده است. در فقه به امری اطلاق می‌شود که شرع بین آن‌ها و امور دیگر رابطه وجودی و عدمی برقرار کرده است به نحوی که از وجود سبب، تحقق مسبب و از عدم آن فقدان مسبب حاصل می‌شود.

شهید اول قائل به این تعریف است: «سبب عبارت از وصف ظاهر و قاعده‌مندی است که بر اساس دلیل شرعی معرف اثبات حکم شرعی باشد به گونه‌ای که از وجود آن وجود حکم و از فقدان آن عدم حکم لازم آید و بدون آن حکم ممتنع باشد و تنها در صورتی تخلف حکم از سبب ممکن باشد که مانعی در میان باشد و یا شرطی مفقود شود».^۳ محقق حلی در شرایع در کتاب دیات می‌گوید: «سبب چیزی است که اگر وجود نداشته باشد تلف حاصل نخواهد شد، اما علت تلف چیز دیگری است».^۴

در اصطلاح حقوقی سبب حادثه‌ای است که منشأ ورود خسارت به غیر شده است. به عبارت دیگر سبب آن است که اگر وجود نمی‌داشت خسارت نیز به وجود نمی‌آمد. با این وجود بین سبب و شرط می‌بایست تفکیک قائل شد به نحوی که شرط منطبق با تعریف سبب در اصطلاح منطقی آن است. به عبارت دیگر وجود شرط در تحقق خسارت لازم است اما علت تامه آن نیست و ملازمه با وقوع خسارت ندارد برخلاف سبب که عرف، آن را دلیل بر وقوع حادثه می‌داند و وجود آن ملازمه با خسارت دارد.

در علم اصول مجمل چیزی است که به خودی خود، دارای دلالت روشن و آشکار نباشد و عرف معنی روشنی را از آن افاده نکند و مردد بین چند احتمال باشد.

مراد از سبب اجمالی آن است که علت و سبب حادثه زیان‌بار بین چند علت محصور و مشخص قرار دارد ولی زیان دیده نمی‌تواند آن را به طور دقیق و قاطع تعیین کند. به عبارت دیگر سبب حادثه مردد بین چند احتمال محصور در گروه معینی باشد. به عنوان مثال شخصی از چند داروی تولید شده توسط شرکت‌های مختلف مصرف کرده و یکی از آن‌ها منجر به زیان شده است اما تعیین عامل زیان به طور دقیق مقدور نیست و سبب حادثه مجمل است.

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ ۸، چاپخانه سپهر، ۱۳۷۱، ص ۱۸۱۵.

۲. آیه ۱۵ سوره حج.

۳. شهید اول، القواعد و الفوائد، تحقیق عبدالهادی حکیم، ج ۱، منشورات مکتب مفید قم، ص ۳۹.

۴. ما لولاه لما حصل التلف لکن علت التلف غیر. محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، دانشگاه تهران، ص

مبحث دوم - اجمال

هرگاه به چیزی قطع و یقین آمیخته به اجمال حاصل شود، آن را علم اجمالی می‌نامند. به عنوان مثال شخصی به وجود خمر در یکی از دو ظرف موجود علم دارد اما نمی‌داند به طور معین در کدام یک از آنها خمر است. امام خمینی ره معتقد است که علم اجمالی علمی است که شک به آن ضمیمه شده پس علم اجمالی عبارت است از علم به جامع و جهل به خصوصیت، در مقابل آن علم تفصیلی است که در متعلق علم هیچ‌گونه شبهه‌ای وجود ندارد.

گفتار اول - اقسام اجمال

در یک تقسیم‌بندی اجمال را می‌توان از نظر میزان تقصیر و از نظر انتساب فعل مورد بررسی قرار داد. گاهی خسارت ناشی از فعل چند سبب است اما میزان تقصیر آن‌ها مجمل و نامعلوم است. در این فرض ممکن است اجمال ناشی از اجتماع چند سبب باشد یا اجتماع چند سبب و مباشر و یا چند مباشر. اجتماع اسباب را می‌توان در سه حالت خلاصه کرد:

۱- اجتماع اسباب به نحو عرضی

۲- اجتماع اسباب به نحو طولی

۳- اجتماع عامل انسانی و عوامل طبیعی

هرگاه چند سبب در زمان واحد با هم موجب خسارتی شوند، و اثر آن‌ها فاقد تقدم و تأخر زمانی باشد، اجتماع آن‌ها به نحو عرضی است. به‌طور مثال یک نفر قهوه مقتول را آلوده به سم کرده و دیگری چای او را و شخص در اثر تأثیر هر دو سم فوت کند. یا چند نفر با یکدیگر اتومبیل را واژگون کنند و سبب خسارت شود.^۱ در حالت اجتماع اسباب به نحو عرضی تشخیص اسباب مسئول امر مشکلی نیست، زیرا حادثه قابل انتساب به همه آنان است و رابطه سببیت میان فعل و نتیجه برقرار است. به همین دلیل حقوق‌دانان اجتماع اسباب به نحو عرضی را اشتراک در جنایت می‌دانند، و همه کسانی را که در وقوع جنایت نقش داشته‌اند ضامن می‌دانند، و تنها بحث در میزان مسئولیت آن‌ها است. قانون‌گذار در ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق، نظر به حالت اجتماع عرضی اسباب دارد و هر دو را ضامن می‌داند. ماده ۱۴ ق.م.م به عنوان حکمی خاص مقرر داشته است که در فرض اجتماع اسباب، میزان مسئولیت هریک از اسباب با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. لذا وحدت ملاک از این حکم خاص در این فرض قابل اعمال است.

هرگاه دخالت عوامل متعدد در وقوع نتیجه با تقدم و تأخر زمانی همراه باشد به نحوی که یکی علت وجود دیگری است، اجتماع به نحو طولی است.^۲ به‌طور مثال بر اثر کثرت مسافر در مقابل در ورودی اتوبوس،

۱. کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، (ضمن قهری)، چاپ ۸، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، ص ۴۶۱، مطلب ش ۲.

۲. همان، ص ۴۶۲.

درب به دلیل نقص فنی و فشار بیش از حد باز می‌شود، مسافری به بیرون پرت می‌شود و اتومبیل دیگری با سرعت غیرمجاز با او برخورد می‌کند، او را به بیمارستان منتقل و در بیمارستان به علت عدم رعایت موازین درمانی توسط پزشک، مسموم می‌شود، به اتاق عمل منتقل و در آنجا به علت نقص فنی برق بیمارستان، مصدوم فوت می‌کند.

اجتماع اسباب به نحو طولی از مشکل‌ترین و بحث‌برانگیزترین حالت‌های اجتماع اسباب است که معرکهٔ آرا و اختلاف نظر حقوق دانان و فقها است. مشهورترین نظریه درباره تعیین سبب مسئول در اسباب طولی سبب مقدم در تأثیر است. به طور مثال اگر کسی سنگی را در معبر عمومی بگذارد و دیگری در کنار آن چاه حفر کند و عابر در اثر برخورد با سنگ به درون چاه بیفتد، بر اساس این نظریه، مسئولیت متوجه شخصی است که سنگ را گذاشته است. قانون مجازات اسلامی سابق به تبع قول مشهور فقها در فقه در ماده ۳۶۴ سبب مقدم در تأثیر را ضامن می‌داند.^۱

مورد سوم نیز زمانی حادث می‌شود که هر دو عامل در وقوع حادثه نقش دارند. بنابراین هرگاه چند نفر به صورت جمعی سبب خسارتی شوند و فعل زیان‌بار منتسب به همه آن‌ها شود، با توجه به اینکه همه آن‌ها مرتکب فعلی شده‌اند که حادثه و خسارت نیز منتسب به این اعمال است لذا این فرض صرفاً ذیل عنوان اجمال از جهت میزان تقصیر قابل بحث است که با توجه به توضیحات سابق قانون‌گذار قائل به مسئولیت تساوی افراد است مگر آنکه میزان تقصیر و نقش افراد در ایجاد ضرر قابل تعیین باشد که در این صورت هر کدام به سهم خود در جبران ضرر زیان‌دیده مشارکت می‌کنند اما گاهی اجمال از جهت انتساب است بدین نحو که حادثهٔ زیان باری رخ داده و علم اجمالی وجود دارد مبنی بر اینکه فعل زیان‌بار از ناحیهٔ یکی از چند نفر داخل در گروه ارتکاب یافته است اما مسبب حادثه به طور دقیق قابل تشخیص نیست. البته در این رابطه فرض دیگری نیز قابل تصور است بدین نحو که چند نفر به طور هم‌زمان چند خسارت ایجاد کرده‌اند که از حیث میزان خسارت با هم برابر نیستند و در عین حال فعل افراد منجر به وقوع کدام حادثه شده است. به عنوان مثال چند نفر به طور هم‌زمان اقدام به پرتاب سنگ می‌کنند که هریک از سنگ‌ها منجر به خسارتی خاص می‌شود اما مشخص نیست هر یک از خسارت‌ها ناشی از فعل کدام یک از آن‌ها بوده است. این فرض با فرض اول تفاوت دارد زیرا در این مورد همه افراد داخل در گروه قطعاً و مسلماً خسارتی را وارد کرده‌اند و اجمال صرفاً از این جهت است که نمی‌دانیم هر کدام از این افراد کدام خسارت را موجب شده است، حال آنکه در فرض اول علم داریم مبنی بر انتساب خسارت به یکی از افراد و بی‌گناهی سایرین.

گفتار دوم - منجز بودن علم اجمالی

اجمالاً می‌دانیم که یکی از دو طعام مسموم است یا یکی از دو متهم قاتل است یا یکی از چند نفر مسئول

ایجاد خسارت است. در این موارد نظر مشهور فقها بر آن است که مخالفت قطعی با علم اجمالی جایز نیست. شیخ انصاری شبهات را به دو قسم محصوره و غیرمحصوره تقسیم می‌کند و معتقد است که در شبهات محصوره علم اجمالی اثر دارد و باعث وجوب احتیاط می‌شود و در این صورت اصله الاشتغال جاری می‌شود و این برخلاف شبهات غیرمحصوره است که در آن‌ها علم اجمالی اثری نداشته و احتیاط لازم نیست^۱ اما مرحوم آخوند این تفصیل را نپذیرفته و می‌فرماید که محصوره و غیرمحصوره بودن هیچ تأثیری در مسئله علم اجمالی ندارد بلکه ملاک فعلیت من جمیع الجهات است اما نوعاً شبهات محصوره از قبیل قسم اول علم اجمالی هستند که تکلیف در آن‌ها از جمیع جهات فعلیت دارد و در نتیجه براءت در آن‌ها جاری نخواهد بود بلکه موافقت قطعی با آن‌ها واجب و مخالفت قطعی حرام است^۲. شیخ انصاری در شبهات محصوره قائل به تفصیل شده است بدین نحو که علم اجمالی علت تامه برای حرمت مخالفت قطعی است اما علم اجمالی نسبت به وجوب موافقت قطعی جنبه اقتضا دارد. یعنی اگر مانعی در بین نباشد (مانند ترخیص عقلی یا شرعی) علم اجمالی اثر دارد و موافقت قطعی با آن واجب است. در خصوص لزوم یا عدم لزوم موافقت قطعی با علم اجمالی اختلاف نظر وجود دارد. برخی قائل بر وجوب موافقت قطعی هستند، برخی موافقت احتمالی را کافی می‌دانند، عده‌ای قائل به تفصیل هستند و برخی قول بر قرعه را ترجیح می‌دهند.

فصل دوم- بررسی لزوم یا عدم لزوم جبران خسارت توسط افراد گروه

با توجه به اینکه یکی از ارکان جبران خسارت لزوم احراز رابطه سببیت است این احتمال وجود دارد که با توجه به عدم امکان احراز آن نسبت به هر یک از افراد و با تکیه بر اصل براءت و اصل عدم، حکم بر عدم لزوم جبران خسارت کرد. زیرا نخست باید رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان‌بار مبتنی بر قضاوت عرف احراز شود و با توجه به اینکه ضرر به‌طور مشخص به فعل هیچ‌یک از افراد قابل انتساب نیست لذا به یاری اصل عدم می‌توان مسئولیت را منتفی دانست. مجرای اصل براءت شک در تکلیف است بدین نحو که اگر شک حادث شود که شخص تکلیف به جبران یا پرداخت دین دارد اصل براءت جاری می‌شود. مسئولیت مدنی که برای تضمین سلامت جامعه مقرر شده نمی‌بایست موجب تشویش خاطر مردم و توقف فعالیت جامعه شود. لذا در این خصوص اصل براءت و عدم، حکم فرماست و در مواردی که رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر به‌طور مشخص اثبات نشده است اصول فوق جاری است و حکم به عدم مسئولیت می‌کنیم. باین حال در این فرض رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ورود ضرر حداقل به‌صورت اجمالی محرز است بدین معنی که علم یقینی داریم به ایجاد ضرر و انتساب آن به فعل زیان‌بار یکی از افراد از جمع مشخص و محصور. به نظر می‌رسد محل اجرای اصل براءت آنجا می‌باشد که هیچ علم اجمالی وجود ندارد و انتساب

۱. انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، قم، چاپ ۹، ج ۲، مجمع الفکر الاسلامی، ص ۲۵۷.

۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، چاپ ۹، قم، موسسه نشر اسلامی، ص ۴۰۷.

ضرر به گروه مشخص امکان‌پذیر نیست. استدلال بر لزوم اجرای اصل برائت ناشی از آن است که کلیه افراد جمع را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهند و با توجه به عدم احراز ارکان جبران خسارت، حکم به عدم مسئولیت را برمی‌گزینند. حال آنکه ما یقین داریم بر حدوث ضرر توسط یکی از افراد گروه و با توجه به مطالب سابق‌الذکر مخالفت قطعی با این علم جایز نیست. شکی مجرای اصل برائت است که مستند به هیچ علم یقینی نباشد اما در مانحن فیه ورود ضرر به غیر و لزوم جبران توسط عامل زیان (یکی از افراد جمع محصور) مفروض است، لذا نمی‌توان خلاف این عمل کرد و با استناد به اصل برائت خسارت را بلا جبران رها کرد.

فصل سوم - نظریات جبران خسارت

پس از بحث در مورد لزوم جبران خسارت زیان‌دیده، بررسی نحوه جبران زیان و نظریات مطرح در این خصوص نیز ضروری است که این فصل را به این امر اختصاص داده‌ایم.

مبحث اول - مسئولیت کلیه افراد داخل در گروه

برخی معتقدند با توجه به اینکه علم اجمالی وجود دارد مبنی بر ایجاد خسارت توسط یکی از افراد جمع و عدم امکان تعیین عامل زیان، لذا در هر صورت خسارت می‌بایست توسط همه افراد جمع جبران شود. مسئولیت تضامنی همه افراد گروه در جهت حمایت از زیان‌دیده و مسئولیت مشترک نیز جهت حل نزاع و مبتنی بر نظریات خطر و تقصیر مطرح شده است.

گفتار اول - مسئولیت تضامنی افراد داخل در گروه

یکی از نظریات مطرح در مورد نحوه جبران خسارت زیان‌دیده، مسئولیت تضامنی همه افراد جمع می‌باشد. مبنای نظریه فوق استقرا در برخی از مواد مشابه مانند ماده ۱۴ ق.م.م، بند ج ماده ۱۶۵ قانون دریایی و مواد ۳۱۶ به بعد ق.م.م که حکم به مسئولیت تضامنی افراد جمع داده است.^۱ در پاره‌ای از قوانین بیگانه مانند ماده ۸۳۰ قانون مدنی آلمان و ماده ۷۱۹ قانون مدنی ژاپن و ماده ۱۳۷ قانون مدنی لهستان نیز برای جمع مسئولیت جمعی و تضامنی مقرر شده است.^۲ رویه قضایی فرانسه در خصوص جبران خسارت حاصل از نزاع، با استناد به مفهوم خطای جمعی و رابطه سببیت آن با نتایج حاصل از نزاع، حکم به مسئولیت تضامنی متنازعین داده است.^۳ حکم به مسئولیت تضامنی افراد جمع موجب تضمین هرچه بیشتر جبران خسارت می‌شود و زیان‌دیده می‌تواند برای جبران خسارت به چند مسئول مراجعه کند. از سوی دیگر خواندگان از روابط و اعمال خود آگاه‌ترند و می‌توانند به یکدیگر مراجعه کنند. در صورتی که

۱. قاسم زاده، مرتضی، مبنای مسئولیت مدنی، تهران، چاپ ۵، میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۹۵.

۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (الزام‌های خارج از قرارداد)، ضمان قهری، چاپ ۳، ج ۱، تهران، میزان، ص ۴۵۷.

۳. مؤذن زادگان، حسنعلی، بررسی جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه: مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱، ۱۳۷۸.

بخواهیم بر مبنای نظریه عدالت اصلاحی در مسئولیت مدنی نظر دهیم راهکاری مناسب است که شانس خواهان را برای دریافت همه خسارت افزایش دهد. در صورتی که همه خواندگان مسئول قرار گیرند عدالت اصلاحی به بهترین شکل اعمال می‌شود.

اگرچه مسئولیت تضامنی به نفع زیان‌دیده است اما تضامن در فقه خلاف اصل است و صرف‌نظر از موارد خاصی مانند ضمان ید و توالی ایادی پذیرفته‌نشده است، زیرا این امر با مسئولیت شخصی افراد منافات دارد و فقها نیز در مورد اشتغال ذمه‌های متعدد نسبت به یک دین ایراد کرده‌اند و آن را خالی از اشکال نمی‌دانند. مسئولیت تضامنی حکمی خاص است که در مقام نص می‌بایست تفسیر شود از این موارد جزئی نمی‌توان قاعده استخراج کرد. از سوی دیگر با توجه به اینکه سرانجام یکی از افراد جمع می‌بایست مسئول جبران ضرر محسوب شود، در صورت جهل افراد مذکور به مسبب حادثه بحث همچنان باقی و مشکل حل نشده می‌ماند.

گفتار دوم - مسئولیت تساوی

به موجب این نظریه با توجه به اینکه علم اجمالی وجود دارد به ورود خسارت از جانب یکی از افراد جمع، لذا مخالفت قطعی با این علم جایز نیست. از سوی دیگر با توجه به اینکه فرد مسبب حادثه به نحو دقیق قابل شناسایی نیست لذا حکم به مسئولیت تساوی، با قاعده عدل و انصاف و لزوم جبران خسارت زیان‌دیده سازگار می‌باشد. ضمن اینکه فرض سبب مجمل صرفاً انداختن سنگ یا تیراندازی به طور هم‌زمان نیست بلکه به عنوان مثال ممکن است مصرف چند دارو از چند شرکت به طور هم‌زمان باعث این خسارت شده باشد. قائلین به مسئولیت متساوی معتقدند که پرداخت خسارت توسط همه مظنونین، مخالفت جزئی با علم اجمالی به وجود می‌آورد و نه مخالفت کلی و این نظر نسبت به نظریاتی همچون قرعه که امکان مخالفت قطعی کلی را فراهم می‌کند قابل قبول است. صاحب جواهر نیز که در فرض قتل توسط سبب مجمل قول به قرعه و تنصیف را مطرح می‌کنند در نهایت قول بر توزیع دیه را اظهار می‌دانند.^۱ مهم‌ترین مستند این مسئولیت متساوی ماده قانون قدیم مجازات اسلامی ۳۶۵ بود که در حال حاضر ماده ۵۳۳ بدین شرح جایگزین آن شده است: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت، سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری شوند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد به طور مساوی ضامن هستند». به نظر می‌رسد این ماده زمانی اعمال می‌شود که خسارت مستند به فعل همه مظنونین حادثه باشد. فرض این تحقیق آن است که خسارت صرفاً ناشی از فعل یک شخص از جمع معین است اما به دلیل اجمال حاصله، آن فرد قابل تعیین نیست. به نظر می‌رسد قسمت پایانی ماده ۴۷۷ قانون مزبور مهم‌ترین ماده در این خصوص باشد. به موجب این ماده «: «در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، ... صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند که اگر همگی سوگند

۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، الطبعة السابعة، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۴۲ و ۴۳، ص ۹۱.

یاد کنند در خصوص قتل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل دیه به نسبت مساوی از متهمان دریافت می‌شود». با توجه به نظر برخی از فقها در مورد خاص بودن حکم قتل و لزوم جبران آن توسط بیت‌المال، در مورد سایر جنایات موجب دیه که نوعی خسارت محسوب می‌شود، قانون‌گذار به مسئولیت متساوی مظنونین حکم کرده است قانون‌گذار این نظر را در مورد دیه جنایات‌های غیر قتل پذیرفته است که نشان از تغییر رویکرد قانون‌گذار دارد. این ماده به‌عنوان مبنای این نظریه در مواردی که مصرف محصول برخی از شرکت‌های داروسازی و یا دیگر کارخانجات که از محیط خطرناک موجود خود سود نیز حاصل می‌کنند و منجر به خسارت زیان‌دیده می‌شوند نظری قابل دفاع است. اما در غیر آن و نسبت به اشخاص عادی که تقصیری نکرده‌اند با توجه به اینکه قول به مسئولیت متساوی افراد منجر به مخالفت قطعی با علم یقینی مبنی بر بیگناهی برخی از مظنونین می‌شود خالی از اشکال نیست.

مبحث دوم - تعیین مسئول حادثه از طریق قرعه

در برخی از موارد امر چنان مشتبه می‌شود که به‌ناچار می‌بایست یکی از طرفین محل شبهه را برگزید که در این مورد قرعه را راهکار مناسبی دانسته‌اند. به دو آیه از قرآن کریم در جهت اثبات قرعه استناد شده است. در آیه ۱۴۱ سوره صافات (فساهم فکان من المدحضین) کلمه «ساهم» به معنای قرعه زدن است و اختلافی مبنی بر دلالت آیه به قرعه وجود ندارد و حتی ظاهر آیه دلالت بر آن دارد که قرعه توسط خود حضرت یونس صورت گرفته است.^۱ آیه ۴۴ سوره مبارکه آل عمران می‌باشد که مربوط به سرپرستی دختر عمران حضرت مریم است که بین آل عمران در مورد او نزاع شد و قرعه جهت رفع نزاع تعیین شد. مرحوم میرفتاح مراغه‌ای نیز ضمن نقل روایات مستند قرعه قائل به تواتر معنوی این روایات شده‌اند.^۲ شیخ انصاری قائل به عدم امکان عمل به ادله قرعه است و صرفاً زمانی که عموم آن با عمل اصحاب یا جماعتی از آنها جبران شده باشد تمسک به آن می‌کند.^۳ برخی از متأخرین سیره عقلا را بر مشروعیت قرعه پذیرفته و بیان داشته‌اند: «بنای عقلا این است که در موارد تراحم حقوق در صورت عدم ترجیح، قرعه زده شود. قرعه نزد عقلا به‌عنوان یکی از راه‌های حل درگیری است درجایی که ترجیح یا طریقی برای احراز واقع نباشد.^۴ به نظر می‌رسد بنای عقلا مبنی بر حجیت قرعه مورد امضای شارع قرار گرفته است و قرعه یک طریق عقلایی جهت رفع نزاع در مواردی است که دلیل مرجح موجود نیست.

به نظر شهید: «برخی مواقع حقوق افراد مساویست و بیم آن می‌رود که اختلاف و نزاع حادث شود. برای جلوگیری از کینه، حسد، پرهیز از ترجیح بلا دلیل و راضی شدن به قضای الهی، قرعه به‌عنوان راهکاری

۱. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، چاپ ۱، قم، چاپخانه مهر، ۱۴۱۶.

۲. نراقی، مولی احمد، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، چاپ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷، ص ۶۳۹.

۳. انصاری، شیخ مرتضی، پیشین، رسائل، ص ۴۲۲.

۴. امام خمینی، سید روح الله، الاستصحاب، تهران، چاپ ۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، ص ۳۹۳.

شرعی ارائه شده است»^۱. اگرچه ادله حجیت قرعه به ظاهر عام هستند اما فقها در شبهات حکمی یعنی در مواقعی که حکم مشتبه و مجهول است آن را جاری ندانسته و برخی در این خصوص ادعای اجماع کرده‌اند^۲. به نظر محقق عراقی مورد ادله قرعه اولاً شبهات حکمیه نیست و شبهات موضوعیه است و در شبهات موضوعیه نیز، موضوعیه بدوی جزء موارد قرعه نیست. لذا مورد ادله قرعه فقط شبهات موضوعیه مقرون به علم اجمالی است که منطبق علیه مردد باشد^۳.

تمسک به قاعده قرعه در متون قانونی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. به موجب اصل نود و دوم قانون اساسی اعضای شورای نگهبان... نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آن‌ها انتخاب می‌شوند. ماده ۱۵۷ قانون مدنی قرائن متعددی را جهت ترجیح یکی از متقاضیان برداشت آب به زمین مجاور نهر مقرر داشته اما در صورت عدم امکان ترجیح و تساوی همه ملاکات، حکم به قرعه را جهت حل نزاع مناسب دانسته است. این ملاک در مواد دیگری از جمله ماده ۴۴۵ آیین دادرسی مدنی در مورد تعیین کارشناس، ماده ۳۱۹ قانون امور حسبی در مورد تعیین سهام ورثه نیز مورد تصریح قرار گرفته است.

مهم‌ترین ماده جهت تمسک به قاعده قرعه در شبهات موضوعیه محصوره ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می‌باشد که به موجب این ماده: «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد، با قید قرعه دیه از یکی از آن دو گرفته می‌شود». مبنای ماده مذکور را می‌بایست در فقه و آرای فقها جست و جو کرد. برخی معتقدند در این فرض با توجه به اینکه دعوی مبهم است لذا قابل استماع نیست زیرا اصل براءت موجب عدم امکان محکومیت متهمین بر فرض اقامه دلیل مبنی بر انتساب ضرر به جمع دارد^۴. برخی معتقدند دعوی قابل استماع است و با توجه به وجود شبهه، قصاص دفع می‌شود اما دیه بر فرض اثبات بین دو نفر توزیع می‌شود زیرا خون مسلمان نمی‌بایست هدر رود «لا یطل دم امرء مسلم». علت توزیع دیه نیز مقتضای قاعده عدل و انصاف است و این فرض محل قرعه نیست زیرا در غیر موارد منصوصه در روایات نمی‌بایست به قرعه تمسک کرد. برخی نیز با تمسک به عموم قاعده قرعه در این فرض معتقدند که قاعده عدل و انصاف درجایی جاری می‌شود که قاعده قرعه قابل اجرا نباشد، فلذا اگر قاعده قرعه درجایی قابل اعمال باشد بر قاعده «عدل و انصاف» مقدم است.

۱. شهید اول، قواعد، قم، ج ۲، کتابفروشی مفید، ص ۱۸۳.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. عراقی، آقا ضیاءالدین، نهاییه الافکار، محقق: محمد تقی نجفی بروجردی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۴، چاپ ۳، ص ۱۰۴.

۴. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۲، چاپ ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۱۹۵.

آنچه در این خصوص متقن است آن است که فقها نیز نسبت به اعمال این قاعده در این فرض که مبنای ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ شده است اختلاف نظر دارند و ایرادهای بسیاری به آن وارد کرده‌اند. مضمون ماده مزبور در قانون مجازات اسلامی جدید حذف شده و ماده ۴۸۳ بدین شرح جایگزین آن شده است: «هرگاه کسی اقرار به جنایت موجب دیه کند سپس شخص دیگری اقرار کند که مرتکب همان جنایت شده است و علم تفصیلی به کذب یکی از دو اقرار نباشد مدعی مخیر است فقط از یکی از آن دو مطالبه دیه کند». ماده ۴۷۷ در فرض دیگری مقرر می‌دارد: «در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، ... صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند که اگر همگی سوگند یاد کنند در خصوص قتل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود...». همچنین ماده ۴۷۸ قانون مزبور در فرض امتناع متهمین از اتیان سوگند، پرداخت دیه را به‌طور مساوی بر عهده متهمین می‌داند.

لذا به نظر می‌رسد استناد به قاعده قرعه در شبهات محصوره مقرون به علم اجمالی با توجه به نصوص مذکور و حذف ماده ۳۱۵ قانون مزبور فاقد مبنا است.

مبحث سوم - جبران خسارت از طریق بیت‌المال

پرداخت خسارت از بیت‌المال از جمله راهکارهایی است که دارای مبنای فقهی نیز هست. انریکو فری از بنیان مکتب تحقیقی معتقد است: «دولت مکلف است کلیه اقدامات ضروری تأمین را قبل از ارتکاب جرم و به‌منظور جلوگیری از وقوع آن به عمل آورد و لذا در صورت قصور و عدم اقدام به‌موقع مسئولیت خود را برانگیخته و مکلف به جبران خسارات وارده خواهد بود».

برخی مسئولیت دولت در جبران خسارت را قراردادی و متکی بر قرارداد ضمنی میان افراد و دولت دانسته‌اند. به‌موجب این قرارداد افراد ملتزم می‌شوند که هر سال مالیات‌های مقرر را به دولت بپردازند و در مقابل دولت متعهد می‌شود که امور مهمی که افراد جامعه نوعاً از آن عاجزند را عهده‌دار شود که در رأس آن‌ها حمایت از شهروندان در مقابل جرائم است. برخی نیز این مسئولیت را برپایه ضمان قهری و نظریه تقصیر توجیه کرده‌اند و معتقدند که هزینه حوادث بایست به عهده کسانی گذاشته شود که بیشتر از همه می‌توانستند از آن جلوگیری کنند^۱.

یکی از مبانی فقهی جبران زیان توسط دولت قاعده «لا یبطل دم امرء مسلم» یعنی هدر نرفتن خون مسلم می‌باشد. به‌موجب این قاعده اگر مسلمان محقون الدمی کشته شود و قاتل وی به هر علت قصاص نشود، در هر صورت خون وی به هدر نرفته و باید دیه نفس در ازای آن پرداخت شود. در برخی از روایات

۱. آشوری، محمد، عدالت کیفری، چاپ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۸۱.

۲. حاجی ده‌آبادی، احمد، از جبران خسارت بزه دیده توسط بزهدکار تا جبران خسارت توسط دولت، فقه و حقوق، سال سوم، تابستان

به پرداخت دیه توسط بیت‌المال حکم شده مانند زمانی که قاتل عمدی فرار کرده و به او دسترسی نیست و نه مالی دارد و نه اقاربی که آن را پرداخت کنند.^۱ برخی از فقها معتقدند که می‌توان حکم این روایات را به غیر موارد منصوص گسترش داد زیرا عبارت «لا یبطل دم امرء مسلم» علت است و علت باعث توسعه حکم می‌شود. لذا هر جا مسلمانی کشته شود و قاتل آن به هر علتی قصاص نشود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. لذا موارد پرداخت دیه از بیت‌المال حصری نبوده بلکه تمثیلی است.^۲ لذا از این روایت افاده عموم کرده و در همه خسارات که به نحوی امکان جبران آن نیست حکم به جبران آن توسط بیت‌المال می‌کنند. قاعده دیگر مبنای ضمان «من له الغنم فعلیه الغرم» یا «الضمان بالخراج» می‌باشد. مراد آن است که بین انتفاع از یک شیء و نتایج حاصله از آن ملازمه برقرار است و هر کس از امری منتفع می‌شود از خسارات ناشی از آن نیز متضرر خواهد شد و خسارت به عهده اوست. با توجه به اینکه بیت‌المال در مواردی از مردم منتفع می‌شود و با توجه به جایگاه حاکم، لذا جبران خسارت ناشی از اعمال این‌گونه اشخاص نیز بر عهده بیت‌المال است. از دیگر مبانی جبران خسارت توسط بیت‌المال، قصور حکومت در ایجاد نظم است. با توجه به اینکه متولی حفظ نظم در جامعه حکومت است و در فرض ایجاد صدمه به شخص نیز دولت وظیفه دارد مسبب و عامل زیان را شناسایی کند و پیش از آن نیز وظیفه دارد اقدامات پیشگیرانه را جهت جلوگیری از وقوع آن اعمال کند، لذا در این فرض‌ها می‌توان نوعی قصور را به حکومت منتسب کرده و خسارت را از بیت‌المال برداشت نمود.

به‌موجب آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه یکی از موارد مصرف زکات غارمین‌اند. غارمین بدهکارانی هستند که توان پرداخت دینی را که بر عهده آن‌هاست ندارند. حکومت که جمع‌آوری و مصرف زکات به عهده اوست می‌تواند در مورد برخی از مجرمان که توان جبران خسارت را ندارند از این محل اقدام به جبران کند. از سوی دیگر یکی از موارد مصرف زکات، «سبیل الله» است و مراد از آن هر چیزی است که برای اسلام نفع داشته باشد.^۳ لذا با توجه به اینکه فواید زیادی در مصرف زکات برای جبران خسارت زیان‌دیده وجود دارد می‌توان آن را یکی از مصادیق سبیل الله محسوب کرد.

نصوص قانونی متعددی نیز جهت پرداخت خسارت توسط بیت‌المال وجود دارد که امکان استقرای اصل و قاعده را جهت تضمین این نظر فراهم می‌کند. قتل در اثر ازدحام که در ماده ۲۵۵ قدیم ق.م.ا مقرر شده بود به موجب ماده ۴۸۷ قانون جدید نیز منجر به مسئولیت بیت‌المال شده و به هر فرضی که قاتل شناخته نشود گسترش یافته است. ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی در مورد عدم تمکن عاقله در پرداخت دیه و مواد ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۸۴ در مورد فرار، مرگ قاتل و عدم امکان شناسایی او حکم به پرداخت دیه توسط

۱. روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) به نقل از عاملی، حر، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت (ع)، چاپ ۳، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۹.

۲. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکلمه المنهاج، قم، روم، ۱۳۹۶ ق، ج ۲، ص ۱۲۶.

۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله، رساله توضیح المسائل، چاپ ۲، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۴.

بیت‌المال کرده است. ماده ۴۷۷ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، ... صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند که اگر همگی سوگند یاد کنند در خصوص قتل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود...». در حال حاضر وزارت دادگستری هر ساله مبالغی را از محل اعتبار ردیف بودجه ۱۰۸۰۱۵ برنامه ۳۰۴۲۹ بابت دیه مصدومین و مقتولینی که در راستای اعمال مواد ۲۵۵، ۳۱۳، ۲۶۰، ۳۳۲، ۳۱۲، تبصره ذیل ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی سابق و مواد فعلی مذکور وفق آرای صادره از محاکم صالح سراسر کشور بر عهده بیت‌المال گذاشته می‌شود به اولیای دم مرحومین و مصدومین می‌پردازد. هدف از این برنامه حمایت و جبران بخشی از لطمات وارده به افراد آسیب‌دیده جامعه می‌باشد. پرداخت دیه از بیت‌المال از سال ۱۳۶۳ تا اواخر سال ۱۳۷۹ به عهده قوه قضائیه بود، ولی در اواخر سال ۱۳۷۹ این مسئولیت به وزارت دادگستری سپرده شد.

در بحث حوادث رانندگی نیز مشکل اساسی جایی نمود پیدا می‌کند که زبانی به فردی وارد شود ولی قرار داد بیمه وجود ندارد و هیچ راهی هم برای جبران خسارت نیست. در چنین مواردی، یک مصوبه در قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسیله نقلیه موتوری در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۲۶ شهریور ۱۳۴۷ با عنوان ماده ۱۰ پیش‌بینی شده است و بر این اساس، صرفاً برای جبران خسارت‌های بدنی زیان دیدگان (نه خسارات وارد به خود اتومبیل یا خسارت مادی) صندوق تأمین خسارت‌های بدنی با نظارت «بیمه مرکزی ایران» ایجاد شده است. لذا دولت می‌تواند صندوقی نیز به‌عنوان خسارت‌های مالی یا جانی که عامل زیان آن مشخص نیست معین و حکم به پرداخت آن از محل این صندوق کند. حال در مسئولیت مدنی که دیدی عینی گرا داریم برخلاف مسئولیت کیفری که تمرکز بر واردکننده ضرر و نگاه شخصی گرا حاکم است توجه بر خود ضرر و لزوم جبران آن است و طریق جبران ضرر و منبع جبران آن تفاوتی ندارد. لذا با توجه به مبانی مذکور و لزوم احترام به جان مسلم، مبنای فوق در مورد اموال مسلم نیز صادق بوده و تفاوت گذاشتی میان زیان دیدگان نوعی ترجیح بلا مرجح است.

در بحث علم اجمالی متذکر شدیم که مخالفت قطعی با علم اجمالی جایز نیست و موافقت قطعی با آن نیز واجب است. علم قطعی وجود دارد مبنی بر اینکه ضرر وارد شده و می‌بایست جبران شود و قطعاً یکی از افراد جمع موجب آن است و دیگران بری الذمه هستند. لذا در صورت جبران زیان توسط بیت‌المال، موافقت قطعی با علم اجمالی مبنی بر عدم لزوم پرداخت زیان توسط افراد بی‌گناه فراهم می‌شود و خسارت زیان‌دیده نیز بلا جبران باقی نمی‌ماند. حذف ماده ۳۱۵ قانون قدیم مجازات اسلامی مبنی بر تعیین عامل زیان از طریق قرعه نیز می‌تواند در قوت این نظریه ما را یاری کند. باین‌وجود به نظر می‌رسد اعمال این نظریه واجد معایبی نیز هست. جبران خسارت از طریق بیت‌المال با سیاست بازدارندگی افراد منافات دارد و راه را برای سوءاستفاده هموار می‌کند و سبب آن می‌شود که افراد جامعه در اعمال و رفتار خود نگران حوادث و مسئولیت‌های ناشی از آن نباشند و دولت را به نوعی پشتیبان آن حوادث تلقی کنند. از سوی دیگر بیت‌المال متعلق به عموم افراد جامعه است که با توجه به انتساب زیان به فعل جمع محصور و

مشخص، پرداخت زیان توسط بیت‌المال منجر به تزییع حقوق افراد جامعه می‌شود. از سوی دیگر عده‌ای جبران زیان توسط بیت‌المال و مبانی مذکور از جمله «جلوگیری از هدر رفتن خون مسلم» را مختص قتل دانسته و آن را حکمی خاص می‌دانند که قابل تسری نیست و قسمت پایانی ماده ۴۷۷ قانون جدید مجازات اسلامی را دلیل بر مدعای خود می‌دانند. ماده مزبور بین قتل و دیگر جنایات تفکیک قائل شده و تصریح کرده است «در خصوص قتل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل دیه به نسبت مساوی از متهمان دریافت می‌شود».

باین وجود محاسن پرداخت خسارت از بیت‌المال دارای محاسن غیرقابل‌انکاری است که تصویب مقرره‌ای خاص در این خصوص ضروری است. لذا در حال حاضر این نظریه نسبت به افراد عادی که هیچ محیط خطرناکی ایجاد نکرده‌اند و همانند برخی از شرکت‌ها و کارخانجات از این محیط خطرناک سودی نمی‌برند، قابل‌اعمال است. اما شرکت‌هایی که از ایجاد محیط خطرناک سود می‌برند می‌بایست نسبت به غرامات حاصله از آن نیز پاسخ‌گو باشند و آن را جبران کنند.

مبحث چهارم - نظریه ولایت قاضی

با توجه به این نظریه که ریشه در فقه دارد در صورتی که دعوت طرفین به مصالحه بی‌نتیجه باشد قاضی می‌تواند بر مبنای این ولایت حکم به توزیع خسارت میان افراد جمع کند. موارد متعددی در فقه وجود دارد که در این موارد قاضی و حاکم از باب ولایت خویش مداخله و اقدام به توزیع خسارت می‌کند از جمله ولایت در اجرای حدود و قضاوت کردن میان مردم، ولایت در مال امام (ع) و ترکه کسی که وارث ندارد، در اجبار کردن شخص ممتنع به پرداخت نفقه و طلاق دادن زوجه مفقودالاثرو مقاصه از اموال شخص غائب. لذا استقرا در این موارد ما را به قاعده ولایت حاکم رهنمون می‌کند و حاکم شرع می‌تواند بر این مبنا اقدام به اخذ خسارت از مظنونان حادثه کند.^۱ لذا با توجه به اینکه معیار و ملاک هر قضیه‌ای است که میان طرفین اختلاف نزاع باشد این معیار قابل‌گسترش به این فرض است. برخی از حقوق‌دانان نیز پس از بحث در باب نظریات مختلف، سرانجام قائل به لزوم مداخله قاضی از باب اعمال ولایت شده‌اند و این نظریه را بهترین روش جهت جبران خسارت زیان‌دیده دانسته‌اند.^۲ باین وجود به نظر می‌رسد این نظریه مشکلی را حل نمی‌کند و از یکسو هیچ ملاک و ضابطه‌ای به قاضی جهت تعیین میزان مسئولیت ارائه نمی‌دهد و از سوی دیگر راه را برای اعمال نظرات شخصی و غیرعادلانه هموار می‌کند. لذا با توجه به این امر می‌توان این‌گونه نیز استدلال کرد که از آنجاکه حاکم در اعمال ولایت خویش و ارائه ملاک و معیار جهت جبران زیان یا شناسایی مسئول حادثه ناتوان است لذا خسارت می‌بایست توسط بیت‌المال جبران شود.

۱. مراغی، میر عبدالفتاح، پیشین، ج ۲، ص ۵۶۲.

۲. صفری، محسن، مسئولیت مدنی سبب مجمل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۴۹، ۱۳۷۹، ص ۷۹.

نتیجه‌گیری:

یکی از صور محتمل در مسئولیت مدنی آن است که اشخاصی هم‌زمان اعمالی مشابه انجام دهند و در نتیجه عمل یکی از آن‌ها ضرری به دیگری وارد آید در حالی که عامل زیان به‌طور معین قابل تشخیص نیست. در این مقاله نظریات فقهی و حقوقی موجود مورد بررسی قرار گرفته است از جمله عدم مسئولیت اعضا به دلیل اجرای اصل عملی براءت و عدم احراز رابطه سببیت، مسئولیت متساوی، مسئولیت تضامنی، پرداخت خسارت از طریق بیت‌المال، تعیین عامل زیان از طریق اعمال قاعده قرعه و نظریه ولایت قاضی. با توجه به اینکه یکی از ارکان جبران خسارت لزوم احراز رابطه سببیت است این احتمال وجود دارد که با توجه به عدم امکان احراز آن نسبت به هریک از افراد و با تکیه بر اصل براءت و اصل عدم، حکم بر عدم لزوم جبران خسارت کرد. با این حال شکی مجرای اصل براءت است که مستند به هیچ علم یقینی نباشد اما در مانحن فیه ورود ضرر به غیر و لزوم جبران توسط عامل زیان (یکی از افراد جمع محصور) مفروض است. لذا در این فرض رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ورود ضرر حداقل به‌صورت اجمالی محرز است بدین معنی که علم یقینی داریم به ایجاد ضرر و انتساب آن به فعل زیان‌بار یکی از افراد از جمع مشخص و محصور و همین علم اجمالی مبنای جبران زیان است.

اگرچه مسئولیت تضامنی به نفع زیان‌دیده است اما تضامن در فقه خلاف اصل است و صرف‌نظر از موارد خاصی مانند ضمان ید و توالی ایادی پذیرفته نشده است. زمانی اعمال می‌شود که خسارت مستند به فعل همه مظنونین حادثه باشد. فرض این تحقیق آن است که خسارت صرفاً ناشی از فعل یک شخص از جمع معین است اما به دلیل اجمال حاصله آن فرد قابل تعیین نیست. باین‌حال به نظر می‌رسد قسمت پایانی ماده ۴۷۷ ق.م.ا. جدید مهم‌ترین مستند در اعمال این نظریه باشد. استناد به قاعده قرعه در شبهات محصوره مقرون به علم اجمالی نیز با توجه به نصوص موجود در فقه و حذف ماده ۳۱۵ ق.م.ا. فاقد مبنا است. پرداخت خسارت از بیت‌المال از جمله راه‌کارهایی است که دارای مبنای فقهی نیز هست. در صورت جبران زیان توسط بیت‌المال، موافقت قطعی با علم اجمالی مبنی بر عدم لزوم پرداخت زیان توسط افراد بی‌گناه فراهم می‌شود و خسارت زیان‌دیده نیز بلا جبران باقی نمی‌ماند. حذف ماده ۳۱۵ قانون قدیم مجازات اسلامی مبنی بر تعیین عامل زیان از طریق قرعه نیز می‌تواند در قوت این نظریه ما را یاری کند. در حال حاضر این نظریه نسبت به افراد عادی که هیچ محیط خطرناکی ایجاد نکرده‌اند و همانند برخی از شرکت‌ها و کارخانجات از این محیط خطرناک سودی نمی‌برند، قابل اعمال است. اما شرکت‌هایی که از ایجاد محیط خطرناک سود می‌برند می‌بایست نسبت به غرامات حاصله از آن نیز پاسخ‌گو باشند و آن را جبران کنند. مطابق نظریه ولایت قاضی که ریشه در فقه دارد، در صورتی که دعوت طرفین به مصالحه بی‌نتیجه باشد قاضی می‌تواند بر مبنای این ولایت حکم به توزیع خسارت میان افراد جمع کند. اما از آنجاکه حاکم در اعمال ولایت خویش و ارائه ملاک و معیار جهت جبران زیان یا شناسایی مسئول حادثه ناتوان است لذا خسارت می‌بایست توسط بیت‌المال جبران شود.

منابع و مأخذ:

کتاب

۱. آشوری، محمد، عدالت کیفری (۱۳۷۶)، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۲. بادینی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار.
۳. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، میزان.
۴. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۸)، جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت، چاپ اول، سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۷)، مبنای مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران، میزان.
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، الزامهای خارج از قرارداد، (ضمان قهری)، چاپ هشتم، تهران، دانشگاه تهران.
۷. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، الزامات خارج از قرارداد (ضمان قهری)، جلد اول، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
۸. لطفی، اسدالله (۱۳۸۵)، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، چاپ چهاردهم، مجد.
۹. محقق حلی (۱۳۷۲)، شرایع الاسلام، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، دانشگاه تهران.
۱۰. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول الفقه، ترجمه عباس زراعت و حمید مسجد سرایبی، چاپ اول، حقوق اسلامی، قم.
۱۱. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، جلد دوم، چاپ هشتم، چاپخانه سپهر.

منابع فقهی

۱۲. امام خمینی، سید روح الله، الاستصحاب، چاپ اول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج.
۱۳. انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، جلد دوم، چاپ نهم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۱۴. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، چاپ نهم، قم، موسسه نشر اسلامی.
۱۵. شهید اول، القواعد و الفوائد، تحقیق عبدالهادی حکیم، جلد اول، منشورات مکتب مفید قم.
۱۶. عراقی، آقا ضیاءالدین، نهایه الافکار، محقق: محمد تقی نجفی بروجردی، جلد چهارم، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. فاضل موحدی لنگرانی، محمد (۱۴۱۶ ه. ق)، القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم، چاپخانه مهر.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶ ه. ق)، مبنای تکلمه المنهاج، جل دوم، قم، روم.
۱۹. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهل و دوم، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، الطبعة السابعة، جلد ۴۲ و ۴۳، دارالاحیاء التراث العربی.
۲۱. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۷ ه. ق)، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

مقالات و پایان نامه‌ها:

۲۲. بای، حسینعلی، «مبانی پرداخت دیه از بیت‌المال»، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۵.
۲۳. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۵)، «از جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت»، فقه و حقوق، سال سوم، تابستان.
۲۴. رضوانیان، عیسی (۱۳۸۹)، «مسئولیت مدنی سبب مجمل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران.
۲۵. شکاری، روشنعلی (۱۳۷۳)، «بحثی پیرامون ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۲.
۲۶. صفری، محسن (۱۳۷۹)، «مسئولیت مدنی سبب مجمل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی»، شماره ۴۹، پاییز.
۲۷. محسنی، حسن و مرادی نژاد، رضا (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی راهکارهای جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق.
۲۸. مظفری سبینی، خدیجه (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی سبب مجمل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۲۹. مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۷۸)، «بررسی جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه» مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱.